

کارگر پیشتاز

. کنترل کارگری بر تولید و توزیع! . افزایش دستمزدها متناسب با تورم! . دفاتر دخل و خرج باز گردد!

ویژهٔ اعتصاب

درس های اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از جهات مختلف چه در سطح مطالبات و چه در سطح تاکتیک ها نمایانگر تکامل تاریخی جنبش کارگری است. طرح مطالبه ی کنترل کارگری و رعایت اصول مخفی کاری در این اعتصابات تنها بخش هایی از این تکامل را نشان می دهد. یکی از مهمترین وجوه این تکامل حضور پررنگ زنان در سطح رهبری اعتصاب و شرکت فعال زنان در پیش بردن اعتصابات بود. از روزهای ابتدایی اعتصاب هفت تپه زنان کارگر به این اعتصابات پیوستند. وقتی که اعتصاب به تجمع کارگران و بستن جاده رسید، مادران و همسران کارگران مرد، دوشادوش آنها در تجمعات شرکت کردند و نقش تدارکات ادامه ی تجمع را بر عهده گرفتند. از تجمع حمایت کردند و در مقابل برخوردها و یورش های سرکوبگران اعتصاب شکن مقاومت کردند. در فیلم های منتشر شده از اعتصاب هفت تپه، زنی در قامت یک رهبر کارگری در میان صدها نفر سخنرانی می کند.

بقیه در صفحه بعد

گزارشاتی از اعتصاب کنندگان هفت تپه

در چند روز اخیر کارگران بخش های مختلف کارخانه نیشکر هفت تپه درخواست عمومی و علنی خویش را جهت پرداخت معوقات مزدی خود به شیوه ای اعتراض آمیز و در قالب اعتصاب مطرح نمودند. عملی که ناشی از علم کارگران به شکاف طبقاتی و همچنین رونق اقتصادی کارخانه است و به هیچ وجه نمی توان آن را فعلی از روی احساس و یا وابسته به تحریکات بیرونی و نامتعارف قلمداد کرد. به طوری که اعتصاب گسترده ای در همین ابعاد در کارخانه هایی نظیر فولاد اهواز و سنگ آهک سیرجان نیز شکل گرفت. و همین امر نشان می دهد که اعتصابات و دخالتگری های تشکل های مستقل کارگری در حال رشدند. در واقع، این موضوع یکی از خصوصیات اعتصابات است که به یک آیدمی مبدل شود. به طوری که در جریان اعتصابات گسترده سلسله ای از تجربیات و درس ها به دیگر کارگران منتقل می شود که موجب می گردد آنان نیز دست به اعتصابات با طرح مطالبات خاص خود بزنند. به طوری که این چرخه تا جایی پیشرفت کرده و تکامل می یابد که اعتصابات جنبه مادی خویش را در ماهیت از دست داده و با تکیه بر شعارهای انتقالی خواهان همکاری و اتحاد با توده کارگران و انتقال دائمی و بی واسطه فرآیند مدیریت تولید و توزیع به کارگران است. یعنی در این روند اعتصاب در منطقه ای با اعتصاب در منطقه یا مناطق دیگر در قالب مختلف پاسخ می گیرد. در مورد اعتصابات کارخانه نیشکر هفت تپه نیز چنین شد.

اما اعتصابات و اعتراضات همگانی کارگران نیشکر هفت تپه ناشی از چه عواملی است؟ فعالین کارگری هفت تپه در مصاحبه با کمیته اقدام کارگری اعلام نمودند که قسمت اعظم مشکلات کارگران با واگذاری شرکت به بخش خصوصی آغاز شد و همچنین معتقدند که دولت با واگذاری نیشکر هفت تپه، به کارگران خیانت کرد. کارگران وضعیت کلی محیط کار را به زندانی با تدابیر امنیتی بالا تشبیه کرده و اعلام کرده اند که مدیران بی تجربه با انباشت سود شخصی کمر به نابودی کارخانه بسته اند و از این موضوع واهمه دارند که همچون کارگران کارخانه قند دزفول، که در طی مجموعه ای از سیاست های نادرست مدیریتی که موجب بیکار شدن ده ها کارگر شد، بیکار شوند.

کارگران هفت تپه اعلام می دارند که مدیران بیشتر اوقات با انبار سازی گسترده، قصد فروش محصولات را به قیمت بالاتری در مواقعی دیگر از سال دارند و به این بهانه که کالایی به فروش نرسیده نیز دستمزد بیشتر کارگران را نمی پردازند و معوقات سر به فلک می کشد درحالی که باید نسبت بیشتری از

دستمزد را به دلیل دیرکرد و افزایش سود حاصله به کارگران بپردازند

یکی از کارگران معترض بخش نی بری بیان کرده که حقوق و مزایای کادر اداری و مدیریتی به صورت مداوم پرداخت می‌شود. در حالی که کارآنان چندین برابر آسان تر از کارهایی ست که کارگران بخش نی بری و همچنین سایر بخش ها به آن مشغول اند. این کارگر وضعیت بیمه کارگران را یکی از موضوعات حاد بیان کرده و اعلام می‌دارد که وضعیت تمدید بیمه همچون دستمزدها فاقد کوچک ترین توجه و نظمی ست. وی روند تمدید بیمه را به صورت ماهیانه گزارش داده که البته گاهی اوقات بیمه تا چندین ماه تمدید نمی‌شود و در صورت بروز عارضه‌ای می‌بایست به صورت آزاد هزینه کرد. وی اعلام کرده به دلیل شرایط کار، شش ماه از سال را بیکار است و در طول بیست سالی که در کارخانه مشغول به کار بوده، همواره کارگر فصلی بوده است. وی اعلام می‌دارد که سابقه وی نیز به همین نسبت محاسبه گردیده یعنی نصفی از سابقه وی عملاً محسوب نگردیده است.

یکی دیگر از کارگران اعتصاب کننده هفت تپه از حربه های مدیریت جهت از میان برداشتن اعتصابات، ایجاد تفرقه میان کارگران و تطمیع برخی از کارگران و همچنین سازمان دادن آن‌ها در قالب کارگران خبر می‌دهد و معتقد است که مدیریت، به محض بر سر کار آمدن خود این عمل را به شیوه‌ای ساماندها تا به امروز جلو برده است.

وجود عناصر اعتصاب شکن در میان صفوف طبقه کارگر عاملی تاریخی است که بورژوازی سالهاست که به آن متکی است. اعتصاب شکنان بالطبع از جانب طبقه خویش طرد می‌شوند. کارگرانی که در فضای امنیتی و اقتصادی امروزه نیز از تعداد کمی برخوردار نیستند. همین انشقاق موجب می‌شود که کار در میان کارگران به صورت رقابتی درآمده و اتحاد کارگران ضربه بسیار سختی را متحمل شود. به طوری که در زمان اعتصابات عمومی و گسترده این نوع کارگران با طبقه خویش بیگانه شده و به سدی مقابل اعتلای وضعیت جامعه و از همه مهم‌تر وضعیت طبقه کارگر مبدل شود.

فراوانی اعتصاب‌ها و اعتراضات کارگری به خوبی نشان می‌دهند که تخاصم اجتماعی و آگاهی پرولتری به سراسر کشور سرایت کرده و کم‌تر هفته‌ای است که خبری از اعتصابات کارگری به گوش نرسد. و همین امر خبر از مبارزه‌ای تعیین کننده میان طبقات متخاصم می‌دهد. اعتصابات دوره‌هایی آموزشی برای کارگران ایران است جهت مهیا ساختن خویش برای نبردی بزرگ که نمی‌توان از آن اجتناب کرد. نبردی که نقش تعیین کننده آن وابسته به اراده و نقش سازمان دهی پیشتازان طبقه کارگر است.

کمیته اقدام کارگری ضمن حمایت همه جانبه از اعتصابات کارگری اعلام می‌دارد که اعتصابات نطفه‌های اولیه قدرت کارگری هستند که تعمیق و گسترش آن به سایر کارخانه‌ها در راستای تدارک اعتصاب عمومی می‌تواند طبقه کارگر را به مقام حاکمیت هدایت کند.

۳ بهمن ۱۳۹۶

از صفحه پیش

این زن که با پوشاندن صورتش برای شناخته نشدن بر روی سکو ایستاده است فریاد می‌زند که او و چند زن دیگر آغازگر اعتصاب بوده‌اند و با بستن جاده عملاً اعتراض کارگران را از محیط کارخانه به خیابان کشانده‌اند. صدها کارگر مرد و زن که مخاطب صحبت‌های او هستند، رهبری یک زن در اعتراضات کارگری را پذیرفته‌اند و در تایید صحبت‌هایش او را تشویق می‌کنند. به راستی کدام بخش از بورژوازی ایران و در چه سطحی حاضر است زنان را به عنوان رهبر و پیشرو بپذیرد؟ کدام طبقه و قشر در ایران جز طبقه ی کارگر، شهامت و مقاومت زنان را به قبول می‌کند و با تشویق‌هایش آن را به رسمیت می‌شناسد؟

اما نکته ی اساسی این جاست که ایفای نقش رهبری در یک جنبش امری نیست که به صورت خلق الساعه و از بالا اتفاق بیفتد. زن سخنان هفت تپه در سخنان کوتاه خود این پروسه را توضیح می‌دهد. در واقع رهبری جنبش‌های اعتراضی در پروسه ی عمل و در میدان عمل سیاسی شکل می‌گیرد. این زن و همراهانش به صورت عینی نقش آغازگر اعتراضات را داشته‌اند. پس بدیهی است که کارگران به میاخی این عمل عینی نقش رهبری او را بپذیرند و در مراحل بالاتر اعتراضات، شعارها، مطالبات و تاکتیک‌های طرح شده از سوی او را بپذیرند.

@Komitehe1Eghdam

با کمیته اقدام کارگری
در تلگرام تماس بگیرید



مؤلفه های اصلی اعتصاب کارگری

- مسئله اصلی اعتصاب دست از کار کشیدنی است که به سرمایه داران لطمه بزند. سود آن ها را کمتر کند تا آن ها بدانند که اگر بر کارگران ستم کنند کارگران می توانند آن ها را تنبیه کنند و اقتصاد کارخانه را مختل کنند. اعتصاب در واقع تمرین قدرت آتی کارگری نیز هست. اعتماد به نفس را در کارگران افزایش می دهد چون با چشم های خود می بینند که چگونه از ترس از دست دادن سود عرق کارفرماها و دولت سرمایه داری در می آید.
- سازماندهی یک اعتصاب محلی با هدف اقتصادی جزئی آغاز می شود؛ و بخشی از قدرت سرمایه داری را زیر سؤال می برد. اعتصاب، عملی است که کارگران را رودررو در مقابل مدیریت قرار می دهد. کارگران با این اقدام به مدیریت می گویند که: "هر چه دلش خواست نمی تواند انجام دهد!" هم چنین کارگران با این عمل کل حقوق دولت بورژوازی را در اعمال کنترل در کارخانه، مورد سؤال قرار می دهند. یک اعتصاب بر محور یک سلسله مطالبات جزئی، کل «قوانین» سرمایه داری را نیز بی اعتبار اعلام می کند. قوانینی نظیر «آزادی کار» که توسط مبلغان دولت سرمایه داری موعظه می شود، در عمل به قوانین «آزادی استثمار» کارگران توسط سرمایه داران ترجمه می شود. زیرا که به محض وقوع یک اعتصاب ساده، مدیریت کارخانه با توسل به نیروی ضربتی دولت سرمایه داری کلیه حقوق ابتدایی، از جمله حق رفت و آمد به کارخانه را از کارگران سلب می کند. تنها لحظاتی پس از آغاز یک اعتصاب، کارگران در می یابند که تبلیغات «آزادی کار» توسط دولت سرمایه داری قلبی است. کارگران بلافاصله درک می کنند که «قوانین کار» بورژوازی سراپا کذب است. رهبران آنان اخراج، دستگیر و شکنجه و اعدام نیز می گردند.
- چنان چه یک اعتصاب از کارخانه ئی آغاز گشته و به محلات، کارخانه ها و ادارات مجاور گسترش یابد؛ زمانی که اعتصاب کارخانه از یک اعتصاب عادی فراتر رود و کارگران کارخانه را نه تنها به اشغال خود گیرند، بلکه بطور «فعال» امر مدیریت آن را بر عهده گیرند، اعتصاب به نتیجه منطقی و نهایی خود می رسد و یک سؤال محوری طرح می گردد: چه کسی «ارباب» کارخانه، اقتصاد و دولت است، کارگران یا سرمایه داران
- در یک اعتصاب واقعی، کارگران، در عمل در می یابند که خود آن ها «ارباب» کارخانه هستند و نه مدیران و سرمایه داران. اما، تنها راه تضمین تداوم این وضعیت، سازماندهی کارگری است. ایجاد «کمیته اعتصاب» سنتاً پاسخ گوی این نیاز مقطعی کارگران است.
- در اعتصابات سراسری و گسترده؛ «کمیته اعتصاب» نقش ایجاد جمع آوری منابع مالی، خوراک و پوشاک و غیره را برای اعتصاب کنندگان بر عهده می گیرد. اما این ها تنها کار «کمیته اعتصاب» نیست. این کمیته به کمیسیون های متعددی بر اساس نیاز مادی، معنوی و سیاسی و تشکیلاتی کارگران تقسیم می شود. ما در این مقطع شاهد نخستین نطفه های «قدرت کارگری» خواهیم بود. کمیسیون های مالی، خوراک، پوشاک، میلیشیای مسلح، اطلاعات، تفریح و حتی «اطلاعات مخفی» به وجود می آیند.
- چنان چه «اعتصاب»، عمومی گردد، بلافاصله بخش های تولیدی، برنامه ریزی اقتصادی، امور خارجی نیز به دنبال کمیسیون ها شکل می گیرند. در این جا کارگران نخستین آزمایش «قدرت» را تجربه می کنند. کمیته اعتصاب برای از میان برداشتن «تقسیم کار» تمحیلی جامعه بورژوازی بین «برنامه ریزان» و «مجریان»، به شکل روزانه جلسات عمومی گذاشته تا تمام کارگران و خانواده های آنان در کلیه امور تصمیم گیری قرار گیرند.

برنامه اقدام کارگری

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است. هدف آنان، حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و به اجبار احیای روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است، و نقشه آنان، اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران. منطق این نظام، مانند هر نظام سرمایه داری (اعم از پیشرفته یا عقب مانده)، کسب ارزش اضافی و انباشت سرمایه از طریق خرید (و استثمار) نیروی کار زحمتکشان است.

در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز «برنامه اقدام» خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری، آماده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری مهیا کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران، کلیه قشرهای تحت استثمار جامعه- کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارز و زنان مبارز- می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد بیاورد و متحد سازد، تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند و باید متکی بر مطالبات و خواسته هایی باشد که از سطح آگاهی فعلی کارگران و قشرهای تحت ستم آغاز می کند و آنان را از مقابله روزمره با سرمایه داری قدم به قدم تا سرحد به دست گرفتن قدرت سیاسی و تشکیل حکومت کارگری، رهنمود می دهد. کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه، به خودسازماندهی مبادرت کنند و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی غایندگان واقعی خود، وارد صحنه عمل گردند. eghdamkargaari.wordpress.com

لغو اسرار معاملات و استقرار کنترل کارگری

در مقابل خواست های بهحق کارگران و زحمتکشان برای رفع مشکلات زندگی خود، وزیران و مدیران دولتی صرفاً وعده و وعید می دهند. به کارگران می گویند که «در نتیجه تحریم های اقتصادی، اوضاع نابسامان است و درآمد دولت کفاف مطالبات کارگران را نمی دهد». می گویند که باید «صبر انقلابی» و «همت مضاعف» داشت و فداکاری کرد. می گویند که کارخانه ها باید «بازسازی» و «نوسازی» شوند و نیاز به میلیون ها دلار ارز دارند. می گویند «کارخانه ها سودآور نیست و در آن ها باید بسته شود و کارگران بازنشسته شوند».

پاسخ کارگران و زحمتکشان به غایندگان سرمایه داران بسیار ساده است: «اگر اوضاع وخیم است، بگذارید حساب دخل و خرج را ما نیز ببینیم! اگر می خواهید ما فداکاری کنیم، دفترها را باز کنید! چرا حساب و کتاب ها باید جزء اسرار باشند؟ دولت های غربی که از آن ها با خبر هستند، چرا ما نباشیم؟»

وضعیت کارگران و زحمتکشان شهر و روستا برای همه روشن است: آنان حتی قادر به یک زندگی عادی انسانی نیستند (اجاره بالای مسکن، گرانی مواد غذایی و وضع وخیم بهداشت و فساد و رشوه گیری در تمام سطوح دولتی ... امکان زندگی متوسط را به کارگران غیروابسته دولتی نمی دهد). اما، سرمایه داران بازار، دلالتان و رشوه گیران دولتی، طی سال های گذشته ثروتمندتر و ثروتمندتر شده اند. اینان اموال انباشت می کنند و در ادامه روش دولت شاهنشاهی، برای روز مبادا، دلار در بانک های خارجی می گذارند. این استثمارگران که حیات اقتصادی جامعه را تحت کنترل خود دارند، هرگز اسرار معاملاتی خود را برملا نمی کنند. چگونه خرید و فروش ارز، ارتباط با دلالتان غربی و زدوبندهای مالی و غیره همیشه پشت پرده باقی می ماند. بدیهی است که این چنین شیوه ای برای زحمتکشان قابل پذیرش نیست و نباید ادامه یابد. در این مورد مطالبات کارگران از قرار زیرند:

برای رفع بحران اقتصادی و مشکلات روزمره کارگران و زحمتکشان، دولت می باید فوراً حساب دخل و خرج کلیه سرمایه داران بازاری و غیربازاری و ارتباط مالی با دیگر دولت های غربی را علناً در مطبوعات اعلام کند. باید تمامی دفترهای حساب و کتاب و اسرار معاملاتی ثروتمندان ایران و «بنیاد» ها باز شوند. باید کل جامعه بدانند که مسأله بر سر چیست. اگر درست است که اوضاع اقتصادی نابسامان است، چه ترسی از علنی کردن اسرار معاملاتی وجود دارد؟

۱- اگر قرار است که سرمایه داران و سهام داران که اقلیتی در جامعه هستند، اسرار معاملاتی جامعه را بدانند، چرا، اکثریت جامعه، یعنی تولیدکنندگان مستقیم، گردانندگان اصلی تولید، از آن اسرار آگاه نباشند؟

کارگران باید با تمام اجزاء این دستگاه آشنایی کامل داشته باشند، زیرا تنها آنان می توانند درباره نحوه کارکرد آن قضاوت کنند. کارگران قابلیت بیشتری برای کنترل صنایع، بانک ها و تجارت دارند، تا سرمایه داران و مدیران نالایق.

۲- بدون استقرار کنترل کارگری و لغو کلیه اسرار معاملاتی، اجرای هرگونه اقدام در جهت بهبود اوضاع اقتصادی، غیرممکن خواهد بود.

باید در سطح هر کارخانه، به وسیله غایندگان منتخب کارگران، و نه نهادهای اسلامی وابسته به دولت، کمیته هایی برای بازرسی دفاتر، نظارت بر تولید، سرمایه گذاری های جدید، استخدام و یا اخراج کارگران و سازماندهی کار در کارخانه و کلیه امور مربوط به کارگران، تشکیل گردد. تنها از طریق چنین کاری است که استقرار کنترل کارگری معنای واقعی پیدا می کند.